

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: آخاندرو مارکو دل پونت  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۰۷ مارچ ۲۰۲۵

## غزه، گورستان یک ملت



جهان باید به این باور برسد که فلسطین بار دیگر به نقشه‌ها بازگردد. (الطَّبَّائُو اِکُونُمِيسْتَا)  
ایده اسکان مجدد فلسطینی‌ها در نقاط مختلف سرزمین‌های عربی بر این اساس شکل گرفت که فلسطینی‌ها «عرب‌های عمومی» هستند که می‌توانند در هر کشور عربی دیگری مستقر شوند. اما این دیدگاه نادیده می‌گیرد که فلسطینی‌ها ملتی با هویتی منحصر به فرد هستند که سنت‌ها، گویش، پوشش و ریشه‌هایشان ارتباط عمیقی با مکان‌های خاصی در فلسطین دارد. این ویژگی‌ها آنها را از ساکنان دیگر کشورهای عربی متمایز می‌کند، و به همین دلیل، جابه‌جایی آنها صرفاً یک مسأله اسکان مجدد نیست، بلکه تهدیدی برای هویت فرهنگی و سرزمینی‌شان محسوب می‌شود.  
ایده «پاکسازی قومی غزه»، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، با موافقت ضمنی جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای عربی، همراه بوده است. این پروژه که هدف آن «محو شدن» فلسطین است، به نظر می‌رسد چرخه‌ای بی‌پایان باشد که بارها و بارها تکرار شده و هر بار به تحقق خود نزدیکتر می‌شود. برای مقابله با این روند، ضروری است که روایت تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، از جمله نگاهی به نکبت (که در عربی به معنای «فاجعه» است). این اصطلاح به آوارگی گسترده حدود ۷۵۰,۰۰۰ فلسطینی از سرزمین مادری خود در سال ۱۹۴۸ اشاره دارد، رویدادی که آغازگر این مبارزه است.

پس از خروج بریتانیا از فلسطین، سازمان تازمتأسيس ملل متحد (سازمان ملل) مسؤولیت حل «مسأله فلسطین» را بر عهده گرفت. در ۲۹ نومبر ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد طرحی برای تقسیم فلسطین تصویب کرد که بر اساس آن، سرزمین فلسطین به دو کشور یهودی و عربی تقسیم می‌شد. با این که یهودیان در آن زمان تنها حدود یک‌سوم جمعیت را تشکیل می‌دادند، این طرح بخش عمده‌ای از سرزمین را، شامل حاصلخیزترین اراضی کشاورزی و بنادر اصلی، به آنان اختصاص داد. علاوه بر این، حدود نیم میلیون عرب فلسطینی که در منطقه تعیین‌شده برای کشور یهودی زندگی می‌کردند، با تصمیمی دشوار روبه‌رو شدند: یا به‌عنوان اقلیتی در کشور خود باقی بمانند یا خانه‌هایشان را ترک کنند.

در ۱۴ مه ۱۹۴۸، اسرائیل استقلال خود را اعلام کرد. تا آن زمان، بین ۲۵۰,۰۰۰ تا ۳۵۰,۰۰۰ فلسطینی از سرزمین اجدادی‌شان آواره شده بودند. روز بعد، ۱۵ مه، نخستین سالگرد روز نکبت برگزار شد، روزی که نماد تراژیدی ملت فلسطین است.

در حالی که فلسطینی‌ها به سرزمین‌های همسایه گریختند، ارتش‌های پنج کشور عربی برای جلوگیری از تشکیل یک دولت یهودی در این منطقه مداخله کردند. اما این مداخله نه‌تنها مانع از تأسیس اسرائیل نشد، بلکه به آوارگی بیشتر فلسطینی‌ها انجامید. بسیاری از آنان مجبور شدند با پای پیاده فرار کنند و تنها وسایل محدودی را با خود ببرند. در پایان جنگ عربی-اسرائیلی در سال ۱۹۴۹، تخمین زده می‌شود که ۷۵۰,۰۰۰ فلسطینی آواره شده بودند.

از آن زمان، فلسطینیان همواره به حق بازگشت به خانه‌ها و سرزمین‌هایشان پافشاری کرده‌اند؛ حقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، که در دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شد، مورد تأیید قرار گرفته است. این سند تصریح می‌کند که «هر فردی حق دارد از هر کشوری، از جمله کشور خود، خارج شود و به کشورش بازگردد». اما این حق به‌طور سیستماتیک نادیده گرفته شده است.

فلسطینی‌های آواره به پناهندگانی بدون تابعیت تبدیل شدند که تحت سرپرستی سازمان امدادسانی و کار ملل متحد (آنروا) قرار گرفتند. در نوار غزه، هشت اردوگاه پناهندگان برای اسکان بیش از ۲۰۰ هزار فلسطینی که از بیش از ۱۹۰ شهر و روستا اخراج شده بودند، ایجاد شد. این اردوگاه‌ها به نمادهایی از مقاومت و پایداری مردم فلسطین تبدیل شدند.

در سال ۱۹۵۸، نخست‌وزیر اسرائیل، دیوید بن‌گوریون، به دنبال راه‌حلی برای «تشویق» پناهندگان به مهاجرت به اردن بود، به این امید که با دور شدن آنها از اسرائیل، احتمال بازگشتشان کمتر شود. در سال ۱۹۶۱، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) تأمین مالی یک پروژه آبیاری در اردن را آغاز کرد که در آن از پناهندگان فلسطینی به‌عنوان کشاورز استفاده می‌شد. هدف این بود که این پناهندگان هویت اردنی پیدا کرده و به اسکان دائمی در آن کشور تن دهند.

جنگ ۱۹۶۷ منجر به اشغال کرانه باختری، قدس شرقی و نوار غزه توسط اسرائیل شد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، اسرائیل چندین طرح برای اسکان مجدد پناهندگان فلسطینی خارج از اردوگاه‌ها پیشنهاد کرد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۸۳ پیشنهاد شد که اردوگاه‌ها برچیده شده و ساکنان آنها در خانه‌هایی با شرایط بهتر در شهرها و روستاها اسکان یابند. اما این طرح‌ها هرگز موفق به حل مشکل اصلی نشدند.

مذاکرات اسلو در دهه ۱۹۹۰ ایده اخراج فلسطینیان از غزه را رد کرد. در واقع، باقی ماندن پناهندگان در غزه یکی از عناصر اساسی در فرضیه راه‌حل دو دولتی بود. با این حال، امیدها به این راه‌حل از بین رفته و طرح‌های اسکان مجدد بار دیگر مطرح شده‌اند.

پس از حمله ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، که جان دست کم ۵۵,۰۰۰ فلسطینی را گرفت، اسرائیل پیشنهاد بازگرداندن شهرک‌های یهودی در غزه را مطرح کرد؛ شهرک‌هایی که در سال ۲۰۰۵ برچیده شده بودند. ایتمار بن‌گویبر، وزیر امنیت ملی اسرائیل، خواستار «تشویق مهاجرت» فلسطینی‌های غزه شد و پیشنهاد داد که به آنها امکان داده شود تا به کشورهای دیگر بروند. این پیشنهاد به‌عنوان تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به پاکسازی قومی تحت پوشش یک ابتکار بشردوستانه تفسیر شده است.

با وجود این فشارها، فلسطینیان مقاومت خستگی‌ناپذیری از خود نشان داده‌اند. پس از آتش‌بس ۱۹ جنوری ۲۰۲۵، صدها هزار فلسطینی آواره به خانه‌های خود در شمال غزه بازگشته و زندگی‌شان را در میان ویرانه‌ها از نو ساخته‌اند. لیزا آیزاک، کارشناس روابط بین‌الملل، معتقد است که کلید آینده منطقه ممکن است در حلب و دمشق نهفته باشد، جایی که فروپاشی سریع حکومت سوریه می‌تواند سرخ‌هایی درباره تحولات بعدی ارائه دهد. گرچه سوریه تاکنون به‌عنوان مقصد احتمالی برای فلسطینیان آواره مطرح نشده است، نمی‌توان احتمال آن را رد کرد. رهبری جدید این کشور، به سرپرستی احمد الشراء/الجولانی و گروه هیأت تحریر الشام (HTS)، ممکن است برای کسب مشروعیت بین‌المللی، پذیرش پناهندگان فلسطینی را به‌عنوان یک ستراتیژی در نظر بگیرد.

سوریه هنوز به‌طور رسمی در میان کشورهای پیشنهادی برای پذیرش فلسطینیان آواره ذکر نشده است، اما می‌توان احتمال چنین اقدامی را استنباط کرد. این امر به‌ویژه از این جهت مهم است که مصر و اردن به‌طور علنی با جابه‌جایی فلسطینیان مخالفت کرده و موضعی متحد در جهان عرب اتخاذ کرده‌اند. با این حال، سوریه جدید، با رهبری، هویت و نقش منطقه‌ای متفاوت از گذشته و جداسازی از محور مقاومت، ممکن است به دلایل متعددی این مسیر را دنبال کند:

احمد الشراء/الجولانی و گروه HTS بشدت نیاز دارند تا از فهرست گروه‌های تروریستی خارج شوند و برای دستیابی به این هدف، به رسمیت شناختن بین‌المللی از سوی ایالات متحده و اسرائیل را ضروری می‌دانند، امری که می‌تواند ثبات حکومتشان را تضمین کند. خوشبختانه برای آنان، فلسطینیان در سوریه به‌طور کلی از حقوقی برابر با شهروندان سوری برخوردارند، به‌ویژه در زمینه مالکیت، اشتغال، آموزش و خدمات بهداشتی. سوریه برای بازسازی خود به حدود ۴۰۰ میلیارد دلار نیاز دارد؛ از این رو، ممکن است مسائل سوریه و فلسطین به‌صورت همزمان مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد ترمپ برای اسکان مجدد جمعیت نوار غزه چه ویژگی خاصی دارد؟ تاریخ بارها تکرار می‌شود، اما ما اغلب خود را به نشنیدن زمره‌های آن می‌زنیم و تظاهر می‌کنیم که درس‌های گذشته همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارند، درحالی‌که حقیقت کاملاً آشکار است.

در طول ۷۵ سال گذشته، فلسطینیان در برابر تلاش‌ها برای حذف حضورشان از سرزمین تاریخی‌شان مقاومت کرده‌اند. پیشنهاد ترمپ برای اسکان مجدد و طرح‌های اسرائیل فصل جدیدی در این مناقشه به شمار می‌آیند؛ فصلی که به دنبال عادی‌سازی آوارگی و پاکسازی قومی است. اما مقاومت غزه نشان داده که فلسطینیان نه از سرزمین خود دست خواهند کشید و نه از هویتشان.

جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای عربی، باید با قاطعیت به این طرح‌ها پاسخ دهند. تاریخ به ما آموخته است که نادیده گرفتن درس‌های گذشته تنها به تکرار همان اشتباهات منجر می‌شود. غزه در ویرانه‌ها فرو رفته، نابود شده به‌دست ماشین جنگی نتانیاها، بدون آن که امریکا حتی کوچکترین محکومیتی علیه آن اعلام کند. و در همین حال، ترمپ فصل جدیدی از آوارگی و عادی‌سازی آن را پیشنهاد می‌دهد.

[۰۶ مارچ ۲۰۲۵](#)